



وقتی که فردها «جمع» می‌شوند

یک دهه فراز و فرود سازمان‌های مردم‌نهاد



ترانه بنی یعقوب
خبرنگار

حتماً شما هم این جمله معروف را بارها شنیده‌اید، «ایرانی‌ها کار جمعی بلد نیستند». با اینکه «۳ ایرانی اگر یک جاباشند ۵ حزب درست می‌کنند». از کار کردن با هم‌دیگر زود خسته می‌شوند. کار راه می‌اندازند، اما نیمه‌کاره رها می‌کنند؛ نمونه‌اش هم همین دیوارهای مهربانی که وقتی جهانی شد، نیمه‌کاره رها می‌کردیم. این یک طرف ماجراست و طرف دیگر هم وسعت و گستردگی نهاد دولت‌فرهنگی که توقع دارد کار را دولت انجام دهد.

اسناد و قوانین بالادستی می‌گوید دولت‌ها باید به سمت کاهش تصدیگری بروند و کارها را به بخش خصوصی و انجمن‌های مردم‌نهاد واگذار کنند. این موضوع هم از تمیزه شدن جامعه پیشگیری می‌کند و حس مشارکت در همه مسائل ملی را بالا می‌برد هم دولت را در جایگاه واقعی خود که نظارت است می‌نشانند و هم موانع نظام بوروکراتیک و دیوان‌سالاری و کاغذ بازی بی‌هوده را از میان برمی‌داند. آمارهای رسمی می‌گوید دولت اصلاحات در سال ۸۴ بیش از ۴ هزار انجمن مردم‌نهاد را به دولت مهرورزی تحویل داد اما حذف سیستماتیک، پیچیده کردن پروسه ثبت و نیز ایجاد فضای سنگین امنیتی باعث شد تعداد این انجمن‌ها و سازمان‌های مردمی به ۵۰ سازمان نیمه‌فعال تقلیل پیدا کند. در این میان خیریه‌های بزرگی که نام و آوازه‌ای فراملی داشتند، توانستند قِسر در برونند. دولت یازدهم در پی تقویت جامعه مدنی و تقویت سازمان‌های مردمی توانست در دو سال نخست تعداد این نهادها را از ۵۰ نهاد به ۵۵۰ سازمان ارتقا دهد. قضیه به همین سادگی است؛ چند جوان دور هم جمع شده‌اند و درخت می‌کارند، تعدادی دیگر در بطری جمع می‌کنند و با درآمدش ویلچر می‌خرند. چند جوان دیگر هم برای توانمند شدن گروه‌های در حاشیه کار می‌کنند. تعدادی دیگر هم شبیه‌های تعطیل بین کارتن خواب‌ها و فقرا غذا پخش می‌کنند و... می‌گویند بهتر از دست روی دست گذاشتن است، هم نفع فردی دارد هم جمعی. اما واقعیت این است که جامعه ما هنوز در حال تمرین است. تمرین کار در سازمان‌های بزرگی که روی پای خود می‌ایستد، کمکی از دولت نمی‌گیرد که هیچ بلکه باری از روی دوش آن برمی‌دارد... یکی از آسیب‌هایی که در کمین انجمن‌ها نشست، همان چیزی است که ابتدای گزارش یادآور شدیم؛ هر ۳ ایرانی ۵ حزب می‌سازند. حالا بحث از گروه‌های کوچکی است که تن به سازمان‌های بزرگ نمی‌دهند و خود در حال تمیزه شدن هستند.

عدم شفافیت مالی انجمن‌ها و ناامیدی از کار گروهی

قاسم دریاباری، عضو انجمن «یار یگران خورشید» است. انجمنی که برای آموزش کودکان کار، فعالیت می‌کند. آن هم به

طور تخصصی در منطقه محمود آباد شهری که پیر از کوره‌های آجرپزی است؛ «این روزها ضعف نهاد جامعه مدنی خیلی‌ها را به سمت کارهای اتمی و کوچک برده. متأسفانه خیلی از این فعالیت‌ها بی‌هدف و بر پایه اطلاعات غلط است و به همین دلیل معمولاً خیلی زود متوقف می‌شود. گاهی اشتباه‌های همین گروه‌ها که ناشی از بی‌تجربگی و نشناختن ساز و کارهای فعالیت است، به ضرر خیلی‌ها تمام می‌شود و نتیجه عکس می‌دهد.»

او مثالی می‌زند از گروهی که برای پایان پدیده کارتن‌خوابی فعالیت می‌کنند: «کمک‌بیش از حد به کارتن‌خواب‌های محدودده‌های خارج از شهر، موجب شده آنها کاملاً از خانه و زندگی شان فاصله بگیرند و اگر قبلاً ماهی یک بار هم به خانواده‌شان سر می‌زدند، همان راهم قطع کنند. من نمی‌گویم گروه حامی، قصد بدی داشته‌اما کمک بدون فکر، استراتژی و تجربه، گاهی می‌تواند چنین تبعاتی داشته باشد. سؤال دیگر هم اینکه ما چقدر با فعالیت‌های اتمی و ذره‌ای می‌توانیم مثلاً به کاهش فقر یا مشکلات محیط زیست کمک کنیم؟ ما باید ساز و کارهای پیوند افراد به یکدیگر را پیدا کنیم و نگرش درستی به فعالیت‌های اجتماعی داشته باشیم تا خودمان و مردم را خسته و فرسوده نکنیم.»

او همچنین یکی از دلایل بی‌علاقگی مردم به فعالیت‌های جمعی در انجمن‌های غیر دولتی را نبود شفافیت مالی این انجمن‌ها عنوان می‌کند: «برخی فکر می‌کنند آن‌جی او تأسیس می‌کنند و برای خود، خانواده و دوستان شان منبع درآمد درست می‌کنند. نبود گزارش دهی دقیق مالی و این رفتارها، آدم‌ها را از کار جمعی ناامید می‌کند. دلیل دیگر هم آنکه ما ایرانی‌ها وقتی مسئولیتی به عهده می‌گیریم مغرور می‌شویم و از مشورت و کار گروهی فاصله می‌گیریم. بنابراین افراد وارد گروه‌ها می‌شوند اما وقتی جدی گرفته نمی‌شوند و این نبود شفافیت‌ها را می‌بینند سرخورده از آن خارج می‌شوند.» در انجمن آنها یک جمع ۱۵ نفره درباره رویدادها تصمیم می‌گیرد حتی اگر این رویداد برگزار یک بازارچه خیریه باشد: «تجربه کار جمعی نشان می‌دهد باید به آدم‌ها در گروه نقش مشخص داد، این نقش دادن به مسئولیت‌پذیری می‌انجامد.»

شرایط ثبت و کار سازمان‌های مردمی تسهیل شده

و فعالیت‌های آنها به شکلی روزانه در رسانه‌ها منتشر می‌شود. این می‌تواند فرصتی برای تمرین مشارکت مدنی و کاهش تصدیگری دولت باشد. خواستی که به صورت یک مطالبه عمومی مطرح است و دولت بعدی نیز باید در این زمینه فعال باشد

فعالیت پایدار و صبوری رمز موفقیت گروه‌های کوچک

فائزه درخشانی از گروه «دست تا دست» است گروهی که برای توان‌افزایی تولیدکننده‌ها فعالیت می‌کند. تولیدکننده‌های کوچکی مانند زنان سرپرست خانوار و گروه‌هایی از این دست. جمع آنها یک جمع ۱۰ نفره کوچک است. از همان‌ها که برخی فعالیت‌شان را ذره‌ای می‌دانند: «من قبول دارم که گاهی فعالیت‌های ذره‌ای اصلاً فایده‌ای ندارد. مثلاً در مقابل با فقر اگر به آدم‌ها فقط لباس و غذا بدهیم در واقع کاری نتوانسته‌ایم برای شان انجام دهیم اما این طور نیست که بخواهیم ناامید شویم. می‌توانیم برای همین فعالیت‌های کوچک تعریفی پایدار داشته باشیم. کارهای مایک روز و دوروز جواب نمی‌دهد و شاید زمان بر باشد اما تأثیر گذاشتن بر زندگی ۱۰ نفر بهتر از حرکت نکردن است. با این همه قبول دارم که این فعالیت‌های کوچک برای مبارزه با فقر مؤثر نیست چون فقر با بخشیدن تنها حل نمی‌شود.»

او هم معتقد است ما ایرانی‌ها در فعالیت جمعی ضعیف هستیم و مهارت‌های ارتباطی را هنوز بخوبی نیاموخته‌ایم. «نه در مدرسه و نه دانشگاه درباره مهارت‌های ارتباطی و کار جمعی به ما آموزش نداده‌اند و این ضعف بزرگ را در انجمن‌ها هم می‌بینیم. مادر گروه خودمان سعی می‌کنیم شیوه‌های ارتباطی با یکدیگر را تمرین کنیم و با جلسات منظم یاد بگیریم که چگونه گروهی کار کنیم تا اگر تصمیم گرفتیم روزی جمعی بزرگتر بسازیم، همان گروه کوچکمان از هم نپاشد.»

احمد علایی هم روی فقر کار می‌کند او دوستانش گروه کوچکی برای مبارزه با فقر و کارتن‌خوابی راه انداخته‌اند و دنبال ثبت ایده‌شان هستند: «اگر انتقادی به فعالیت‌های کوچک هست، مطمئناً به نهادهای مدنی مان برمی‌گردد، نهادهایی که آنقدر دنبال سودجویی هستند که آدم‌ها را نسبت به خود بی‌اعتماد کرده‌اند. من سال‌ها با یکی از این سازمان‌های مردمی همکاری کردم و تنها چیزی که دیدم بی‌ارزش کردن آدم‌ها بود. برای همین چون نمی‌خواستم آدم منفعلی باشم و حالا کار گروهی را با گروه کوچک‌مان تمرین می‌کنیم و امیدواریم در آینده بزرگ شویم.»

شرایط ثبت و کار سازمان‌های مردمی تسهیل شده و فعالیت‌های آنها به شکلی روزانه در رسانه‌ها منتشر می‌شود؛ از سازمان‌های محیط‌زیستی و انجمن‌های حامی حقوق حیوانات گرفته تا آنهایی که در زمینه فقر زدایی و کمک به حاشیه‌نشینان کار می‌کنند. در این میان گروه‌های کوچکی شکل می‌گیرند که نمی‌خواهند به قواعد سازمانی تن دهند یا سازمان‌هایی از هم می‌پاشند و دل آنها گروه‌ها یا سازمان‌های دیگری متولد می‌شوند. هرچه هست همه این‌ها می‌تواند فرصتی برای تمرین مشارکت مدنی و کاهش تصدیگری دولت باشد. خواستی که به صورت یک مطالبه عمومی مطرح است و دولت بعدی نیز باید در این زمینه فعال باشد.